



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اشراق غدیر

خلاصه ای از کتاب

به همراه متن کامل خطابه غدیر

گفتارهایی پیرامون امام علی (ع)

محمدعلی انصاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه ای از کتاب اشراق غدیر به همراه متن کامل خطابه غدیر

نویسنده:

محمدعلی انصاری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	خلاصه ای از کتاب اشراق غدیر به همراه متن کامل خطابه غدیر
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	متن کتاب
۶	اشاره
۷	برابری و برتری انسانها
۷	معیارهای سه‌گانه‌ی افضلیت
۸	پیشتازی در ایمان
۹	دریای موج علم علی علیه السلام
۱۰	تقوای بی‌مانند علی علیه السلام
۱۲	برق تیغ علی علیه السلام
۱۶	خورشید غدیر در آسمان قرآن
۱۸	جلوه غدیر در تاریخ
۱۸	حضور غدیر در کلام و ادب
۱۹	غدیر در عرصه حدیث
۱۹	پی نوشت
۲۱	متن کامل خطبه پیامبر اکرم(ص) در غدیر خم
۳۰	متن کامل خطابه غدیر به عربی
۳۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

خلاصه ای از کتاب اشراق غدیر به همراه متن کامل خطابه غدیر

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱
 عنوان و نام پدیدآور: خلاصه ای از کتاب اشراق غدیر به همراه متن کامل خطابه غدیر / محمدعلی انصاری
 ناشر چاپی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
 مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه، رایانه و کتاب
 موضوع: (ویژه مسابقه) - غدیر

مقدمه

یکی از رایجترین شیوه‌های عرض ادب به آستان مقدس اهل بیت (آشنا نمودن نسل جوان با معارف آن بزرگواران است و موضوع غدیر نیز یکی از فرصت‌های استثنایی در این زمینه می‌باشد و از بهترین روش‌های تأثیرگذار روی اعتقاد جوانان اجرای انواع مسابقات کتابخوانی می‌باشد که در این میان، مسابقات کتبی حضوری بازدهی بسیار بالایی دارد. کما اینکه بارها به تجربه ثابت گردیده است. بر این اساس مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان با همکاری موسسه احسن الحدیث، متن خطابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر با ترجمه استاد محمد باقر انصاری و همچنین خلاصه‌های از کتاب «اشراق غدیر» (نوشته استاد محمدعلی انصاری) با تصحیح و اضافات گروه تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای اصفهان جزوه‌ی حاضر آماده گردید.

امید است مورد تأیید وارث غدیر حضرت بقیه الله الاعظم واقع گردد.

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ذیحجه الحرام ۱۴۳۳

متن کتاب

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

غدیر در میان حوادث تاریخ طی طریق داشته و باده‌ها و وادیه‌ها را طی کرده است و تا امروز سربلند و سرافراز در پهنی بسط خاک با نمایش و حضور خود جلوه‌گری می‌کند. آنچه مربوط به غدیر و سخنان نبی اکرم (و پیام آن است، در میان صاحب نظران سخن و حدیث فراوان و بسیار آمده است و صفحات بسیاری نوشته و انگاشته شده است. لیکن محور اصلی این بحث پاسخ به همین سؤال است که: آیا موضوع غدیر یک پدیده مستقل و نویی در زندگی پیغمبر مکرم اسلام (بوده است؟

آیا غدیر ماجرا و جریانی ماسوای بقیه حوادث زندگی نبی رحمت است؟

یا اینکه غدیر به بیانی استمرار همان روند مبارک و شگرف ولایت و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؟ آیا سیر رسالت اقتضای آن دارد تا سخن به غدیر رسد و در آنجا خیمه زند و ساکن بماند؟ و یا آنکه غدیر صرفاً یک واقعه، رخداد و پدیده‌ای همانند سایر حوادث تاریخی دیگر است؟

برابری و برتری انسانها

بدون تردید آدمیان نزد خداوند متعال جایگاه یکسانی دارند یعنی در خلقت و آفرینش میان حضرت حق و بندگان او خویشاوندی وجود ندارد.

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ

میان خداوند و بندگان او تقابری وجود ندارد که آنان را در مراتب متفاوت قرار دهد، بلکه در آغاز کار تمام آدمیان و بندگان در عبودیت تسخیری و تکوینی نسبت به حضرت باریتعالی یکسانند، (من و تو هر دو خواجه تاشانیم) و جملگی بندگان حضرت سبحان هستند.

إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا (۱)

«تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند.»

معیارهای سه‌گانه‌ی افضلیت

بعد از این مقدمه که بیان قانون و قاعده‌ی الهی و سنت حکمت و عدالت خداوندی گزینش اولوا الفضائل و المکارم است و اعطاء حکم و عنایت الهی و مواهب خداوندی بر اساس این برتری‌هاست. در کلام الهی و در سخن خداوند سبحان نیز همین موضوع تثبیت می‌باشد و می‌بینیم. خدای سبحان در کلام خود هنگامی که فضیلتها را مطرح می‌کند علم و تقوا و جهاد را به عنوان شاخصه‌ی اصلی بیان می‌دارد، آنجا که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (۲)

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید! (اینها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.»

در مقام اول و دوم، تقوا و علم می‌آیند.

... «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (۳ ...)

... «خداوند کسانی را که ایمان آوردند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد» ...

سومین ملاک برتری مجاهده و جدّ و جهد توأمان مال و جان است.

... «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (۴)

... «و مجاهدان را بر قاعدان؛ با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.»

... «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ» (۵ ...)

... «کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند» ...

مسلمانان! بدانید کسانی که از میان شما و قبل از فتح مکه به صحنه آمدند و جان و مالشان را در خدمت خدا گزاردند، با آنانی که متعاقباً به صحنه می‌آیند، هرگز یکسان نیستند.

خوبان بی‌شمار در این شهر دیده‌ام اما تو نازنین به خدا چیز دیگری

با استناد به این اصول و نصوص قرآن به مقصود اصلی و نتیجه‌گیری موضوع می‌پردازیم و ابتدا:

ماییم و نوای بی‌نوایی بسم‌الله اگر حریف مایی حال در میان این مجموعه و خیل گروندگان و اگر چشم جان را بگشایید و با بصیرت بنگرید و دیده‌ی انصاف را به صحنه آورید، چگونه می‌توان شاهد استمرار همان مسیر فضیلت بود؟ غدیر چیزی جز

استمرار حاکمیت فضیلت نیست، اگر قرار است فضائل در میان بشریت حاکمیت داشته باشد و افضلیت در میان انسانها معیار رتبه‌نشینی باشد؛ باید پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در ماجرای غدیر فریاد برآورد و آشکارا بگوید:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

در بخش دوم ناگزیرم گوشه‌هایی از این قاعده و قانون را یادآوری و مرور کنم. نکته‌ی اول پیشتازی در ایمان است. اشاره شد که کار با ایمان سامان می‌یابد و اگر هر فضیلتی خداوند به انسانها می‌دهد در پرتو بهره‌مندی ایمان و عمل صالح است و طبعاً پیشتازی در ایمان هم نکته‌ی بسیار مهمی است که در فضایل و ویژگیهای برتر صاحب ولایت غدیر، مطرح می‌شود به حدی که بزرگان - اعم از دوست و دشمن - خیرخواه و غیر خیرخواه نمی‌توانند به راحتی و آسودگی از کنار آن بگذرند.

پیشتازی در ایمان

خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران با تأکید و اهتمام به استفاده‌ی بیشتر از منابع اهل سنت، ابتدا به مقدمه‌ی شرح نهج البلاغه اشاره می‌نمایم که نوشته «ابن ابی الحدید معتزلی» و اهل سنت است.

«وَمَا أَقُولُ فِي رَجُلٍ سَبَقَ النَّاسَ إِلَى الْهُدَىٰ وَآمَنَ بِاللَّهِ وَعَبَدَهُ وَكُلَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَعْبُدُ الْحَجَرَ وَيَحْجِدُ الْخَالِقَ لَمْ يَسْبِقْهُ أَحَدٌ إِلَى التَّوْحِيدِ إِلَّا السَّابِقُ إِلَىٰ كُلِّ خَيْرٍ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» (۶)

چه بگویم در خصوصیات مردی که در هدایت سبقت گرفته است و به خدا ایمان آورده و او را عبادت نموده است. حال آنکه دیگران هنوز در پای سنگها و بتها فرو افتاده بودند و حتی خالقیت خداوند را انکار می‌کردند. هیچ کس بر او در توحید سبقت نگرفته است و تنها پیشی گیرنده به خیر و خوبی بر او، کسی جز پیغمبر مکرم اسلام (نمی‌باشد که معلم و استاد همین مؤمن اول است.

(این شارح معتزلی می‌گوید:

اکثریت اهل حدیث بر این قول متفق‌اند که او در میان مؤمنین و مسلمین اولین است. یک گروه بسیار کم و قلیلی با این معنا مخالفت می‌کنند. خود نیز چنین گفته است که:

«من صدیق اکبرم و جدا کننده‌ی حق و باطل در میان امت هستم و من اولین گرونده به اسلام (قبل از همه مردمان) می‌باشم و من اولین کسی هستم که بعد از پیامبر اسلام نماز گزارده‌ام.»

در ادامه می‌گوید:

«اگر کسی به مسانید حدیثی مراجعه کند خواهد دانست که این جمله متفق‌القول است.» (۷)

و برای استناد گفته‌ی خود به سخن افرادی مانند: «الواقدی»، «ابن جریر طبری»، صاحب تفسیر و تاریخ و همچنین به «ابن عبد ربّه»، صاحب کتاب «الاستیعاب» که جملگی از بزرگان نامی اهل سنت هستند، اشاره می‌کند.

پس اولین نکته همان سبقت در ایمان است:

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)» (۸)

«و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامانند، آنها مقرَّب‌انند.»

ادامه‌ی کلام را از زبان امیرالمؤمنین (- لیکن از کتب اهل سنت - بازگو می‌نمایم:

عن علی علیه السلام یقول: حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (وَ أَنَا مُسْنِدُهُ إِلَى صَدْرِي. فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (۹) هُمْ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ. (۱۰)

من پیامبر را به سینه‌ی خود چسبانده بودم و سر مبارک او را در سینه‌ی خویش جای داده بودم. آنگاه حضرت فرمود: علی جان! آیا این کلام خدا را شنیده‌ای که می‌گوید: کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند آنان بهترین بندگان خدا و با فضیلت‌ترین آنها هستند.

علی جان! مصداق اول این آیه‌ی شریفه، تو و شیعیان تو هستید. پس از این فرمایش رسول خدا مشخص می‌شود که کلمه شیعه لغتی ساخته شده توسط شیعیان نیست. بلکه اولین کسی که کلمه شیعه را به کار می‌برد، خود رسول اکرم (است).

وعده‌ی میان من و شما و آنها بر سر حوض کوثر باشد و هنگامی که امتها و آدمیان برای جوابگویی و حساب می‌آیند، اینها با چهره‌های روشن خوانده می‌شوند و بر حوض الهی وارد می‌شوند.

«شواهد التنزیل، حسکانی»، «تفسیر طبری»، «صواعق المحرقة»، سه کتاب عمده و مفصل اهل سنت‌اند که من صرفاً از میان حدود سی عنوان کتاب، فقط به این سه اشاره و استناد می‌نمایم. پس این گواه سبقت امیرالمؤمنین در ایمان است و چه رسد به فرورفتگی و خوض و غوطه‌وری حضرت در ایمان.

یعنی این مقام که آنچنان برتری و رفعت می‌یابد که می‌گوید: «اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ»، خدا را به خدا بشناسید.

راز بگشا ای علی مرتضی ای پس از سوء القضا، حُسن القضا ای علی که جمله عقل و دیده‌ای شمه‌ای واگو از آنچه دیده‌ای ما خدا را به اشیاء و وجود و خلقت او می‌شناسیم ولی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (خدایش را به ذات خدای خود می‌شناسد. ای خدایی! که ذات او بر ذات او دلالت می‌کند. (اینجا هم کمیت بشریت لنگ است و از درک معنا عاجز هستیم. به راستی، چگونه می‌توانیم از ذات به ذات او رسیم. ما که از صفات به اوصاف حق می‌رسیم، از اسماء و نشانه‌های خداوند به او می‌رسیم؛ لیکن علی (از خدا به خدا سفر می‌کند و سیر من الله الی الله دارد).

دریای موج علم علی علیه السلام

ایمانی که اشاره شد مبتنی بر معرفت و علم است. اگر علم و معرفت نباشد، ایمان، تقلیدی و بر اساس عادت است و طبعاً جایگاه و رتبه والایی نخواهد یافت، یعنی عمیق و دقیق نیست.

شخصیت ابن عباس مورد قبول اهل سنت و شیعیان است و به او می‌گویند: «جبر الأئمة» و «ربانی هذه الأمة» و چنین القابی را پیرامون او می‌بینیم.

عبدالله بن عباس می‌گوید:

فخرج بی الی البقیع و قال: اقرأ یا ابن عباس فقرأت: بسم الله الرحمن الرحيم، فتكلم فی أسرار الباء الی بزوغ الفجر.

«أَخَذَ بِيَدِي عَلِيٌّ فِي لَيْلَةِ الْمَقَمَرَةِ فَخَرَجَ وَقَالَ: اقرأ يا عبدالله! بي إلى البقيع بعد العشاء فقرأت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فتكلم فی أسرار الباء الی بزوغ الفجر و قال لي: قم يا ابن عباس! الی منزلك. فتأهب لفرضك!»

فَقُمْتُ وَقَدِ عَيْتُ مَا قَالَ ثُمَّ تَفَكَّرْتُ إِذَا عِلْمِي بِالْقُرْآنِ وَعِلْمُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ فِي عِلْمِ عَلِيٍّ لَيْسَ إِلَّا كَالْقَرَارِ فِي الْمَسْعِنَجِرِ». (۱۱)

در یک شب مهتابی و خاص امیرالمؤمنین مرا همراه خود به صحرا برد؟ مرا به انتهای بقیع برد و بعد از نماز عشاء و بعد از اینکه مهتاب برآمده بود. به من گفت چیزی بخوان، شروع به قرائت قرآن کردم به مجرد آنکه «بسم الله» را گفتم، گفت بایست. آنگاه در «باء» بسم الله تا نزدیکی فجر برای من سخن گفت، سپس خطاب کرد که ابن عباس به خانه‌ات برگرد و برای نماز صبح خودت را آماده کن.

بلند شدم و هر چه گفته بود در ذهن خود نگه داشتم و ساعتها بر آنچه گفته بود اندیشیدم. بعد دریافتم که علم من و تمام یاران پیامبر در قبال آنچه علی علیه السلام می‌گوید به مثابه قطره‌ای در مقابل دریا و اقیانوس است. آنگاه سر خود را پایین افکندم و

گفتم:

علی جان! باز هم بر من عنایت فرما و دست مرا تهی مگذار و بر سینه‌ی من هم از دانش خویش بیاران. در بیش از پنجاه کتاب عمده‌ی اهل سنت، این حدیث وجود دارد، مانند «لسان‌العرب ابن منظور»؛ «تفسیر طبری»، (جلد ۱۲)؛ «کنز‌العمال متقی هندی» (ج ۱۵، ص ۱۰) که به مناسبتی این حدیث را نقل می‌کنند.

در حدیث معروف دیگری پیامبر فرموده است که:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا»

مرحوم علامه امینی - رضوان‌الله تعالی علیه - منابع این حدیث را بیش از یکصد کتاب معتبر مانند «جامع‌الاصول ابن اثیر»، «روح‌المعانی آلوسی بغدادی»، «تاریخ بغداد»، «سنن ترمذی» (که از بهترین و جزء شش کتاب اصلی اهل سنت هستند) معرفی می‌کند.

«هذا ما روتہ عائشہ قالت: حدثنی فاطمه ابنة محمّد أنّ النبی (قال لها: زوجتك اعلم المؤمنین علماً و أقدمهم سلماً و افضلهم حلماً». (۱۲)

عایشه می‌گوید:

فاطمه - دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - به من گفت: که پیامبر به او چنین گفت: فاطمه جان! دخترم! شوهر تو، برترین دانشمندان این امت و پیشتاز آنان در پذیرش اسلام است و در صبوری و بردباری با فضیلت‌ترین آنهاست.

تا آنجا که پیامبر در لحظات آخر عمر اشاره کردند که یا علی! سرت را پایین بیاور. آنگاه مدتی با علی به نجوا سخن گفتند. بعدها از حضرت سؤال کردند که پیامبر به شما چه فرمود؟ پاسخ دادند:

فَعَلَّمَنِي مِفْتَاحَ أَلْفِ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلَّ بَابِ أَلْفِ بَابٍ (۱۳)

پیامبر هزار درب علم را برای من گشود که از هر کدام آنها، هزار باب دیگر گشوده شد.

(فخر رازی در تفسیر کبیر وقتی به این حدیث اشاره می‌کند ادامه می‌دهد که:

«فاذا كان المولى هكذا فكيف حال النبي؟»

وقتی مولى او چنین دانشی دارد پس نبی چه مقدار دانش دارد؟ (۱۴)

(معاویه بن ابوسفیان: «كان رسول الله يعزُّ علياً بالعلم عزّاً». (۱۵)

پیامبر، علی را از علم سیراب نمود.

(عایشه: عَلِيٌّ أَعْلَمُ النَّاسِ بِالسُّنَّةِ (۱۶)

(قال امير المؤمنين: «إِذَا سَأَلْتَهُ أُعْطَانِي وَإِذَا سَكَتَ ابْتَدَأَنِي (۱۷)

هرگاه من از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال می‌کردم، پاسخ می‌فرمود و هر گاه سکوت می‌کردم، او شروع به گفتن می‌کرد و میان من و پیامبر هیچگاه سکوت برقرار نبود؛ معلم می‌گفت و شاگرد می‌شنید؛ شاگرد سؤال می‌کرد، معلم پاسخ می‌فرمود؛ ما همیشه با یکدیگر در حال گفت و شنود علمی بودیم، به همین خاطر است که احمد حنبل در «مسند» می‌گوید:

«ان ابن ابيطالب لا يقاس احداً». (۱۸)

پیامبر می‌فرماید: ای مردم! هیچ کس را با پسر ابیطالب مقایسه نکنید، فقط علی، علی است. «فَإِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ». (۱۹)

وقتی پیامبر می‌خواهند ارتباط تنگاتنگ خود با علی (را یادآوری کنند. همان یکی بودن مقام خود را تذکر می‌فرماید.

تقوای بی‌مانند علی علیه السلام

هنگامی که در کنار این معرفت به تقوای امیرالمؤمنین (می‌رسیم، می‌بینیم که علم علی مبتنی بر معرفت است و مگر نه این است که:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». (۲۰)

من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادت کنند. (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).
عمده‌ی مُفسِّران، آیه را اینگونه تفسیر کرده‌اند که ما جن و انس را برای عبادت آفریده‌ایم و متفق القول گفته‌اند که برای معرفت آفریده شده‌اند. پس جوهر عبادت، معرفت است و بدون آن تحقق هیچ عبودیتی امکان ندارد. هر کسی بهره‌مندی بیشتری از این جوهر دارد، عابدتر است و هر که عابدتر است فاضل‌تر خواهد بود؛ به همین منوال آنکه فاضل‌تر است برتر نیز هست. وقتی انسانی این سیر را طی می‌نماید و به مقام افضلیت می‌رسد، آنچه خداوند بر او ارزانی و مرحمت می‌کند، تقوای الهی است.

... «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ)» ... (۲۱)

(... «پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند؛ و نماز را برپا می‌دارند»...
خداوند نشانه‌ی اول تقوا را ایمان به غیب معرفی می‌نماید. آن ایمان به عالم غیب و فراتر از آنکه «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا أزدَدْتُ يَقِينًا»، اگر تمام پرده‌های غیب برداشته شود هیچ چیز بر علم علی افزوده نمی‌شود؛ چرا که من از غیب الهی به آن درجه رسیده‌ام که بی‌پرده و عیان، باطن و ظاهر، همه چیز را می‌بینم.

حضرت می‌فرماید: آیا ظن و گمان می‌کنید من خدای ندیده را عبادت می‌کنم؟ اگر من خدا را نبینم چگونه می‌توانم او را عبادت کنم؟ غیب‌الغیب مطلق خداست، علی (خدا را می‌بیند و عبادت می‌کند).

در خصوص «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ» او چه بنویسم که هرگز به کنه مطلب نتوانم رسید.

به نماز بست قامت که نهد به عرش پا را به خدا علی نبیند به نماز جز خدا را اگر بخواهیم مقام تقوای علی علیه السلام را ترسیم کنیم چه کسی می‌تواند خصوصیات تقوای علوی را توصیف کند؟ آیا برای این وصف جز خدای علی علیه السلام کسی سزاوارتر می‌توان یافت؟ مگر حضرت سبحان نفرموده است که:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». (۲۲)

آیا غیر از این است که خداوند دقیقاً صحنه‌ی نماز و زکات علی علیه السلام را در کلام خویش برای همیشه جاودان و باقی قرار داده است.

«آلوسی بغدادی» در «روح المعانی» می‌گوید: هیچ یک از مفسران در انطباق این آیه شریفه بر علی بن ابیطالب (تردید ندارند. فروغ خیره‌کننده سخاوت علی)

مرحله بعدی بروز عملی این ایمان و تقواست. نام شاهییت عمل در درگاه الهی و قرآن مجاهده است. مجاهده فی سبیل الله یعنی جانبازی، مالبازی، پاکبازی، که یا به جان و یا به مال محقق می‌شود.

قرار در کف آزادگان نگیرد مال نه صبر در دل عاشق نه آب در غربال زبینه است استشهادی دیگر از ابن ابی‌الحدید در این خصوص مطرح نمایم:

وَأَمَّا السَّخَاءُ وَالْجُودُ فَحَالُهُ فِيهِ ظَاهِرَةٌ كَأَنَّ يَصُومَ وَيَطْوِي وَيُؤْتِرُ بَرَادِهِ وَفِيهِ أُنْزِلَ:

وَيَطْعُمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا وَوَيْتِيًّا وَأَسِيرًا (إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

وَرَوَى الْمُفَسِّرُونَ (۲۳) أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَمْلِكُ إِلَّا أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ فَتَصَدَّقَ بِدِرْهَمٍ لَيْلًا وَبِدِرْهَمٍ نَهَارًا وَبِدِرْهَمٍ سِرًّا وَبِدِرْهَمٍ عَلَانِيَةً فَأُنْزِلَ فِيهِ

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَأُنْزِلَ فِيهِ:

«الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً». (۲۴)

و روی عنه أنه كان يسقى بيده النخل قوم من يهود المدينة، حتى مَجَلَّتْ يده و يتصدق بالأجره و يشدُّ على بطنه حجرا.
 (وَ قَالَ الشَّعْبِيُّ وَقَدْ ذَكَرَهُ عَ كَانَ أَشْحَى النَّاسِ كَانَ عَلَى الْخُلُقِ الَّذِي يَحِبُّ اللَّهُ السَّخَاءِ وَالْجُودِ مَا قَالَ «لَا» لِسَائِلٍ قَطُّ
) وَ قَالَ عَدُوَّةُ وَ مُبْغِضُهُ الَّذِي يَجْتَهِدُ فِي وَضِيحِهِ وَ عِيْبِهِ مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ لِمِحْفَنِ بْنِ أَبِي مُحْفَنٍ الضَّبِّيِّ لَمَّا قَالَ جِئْتُكَ مِنْ عِنْدِ
 أَبْنَخْلِ النَّاسِ!

وَيَحْكُ كَيْفًا! تَقُولُ إِنَّهُ أَبْنَخْلُ النَّاسِ وَ لَوْ مَلَكَ بَيْتًا مِنْ تَبَرٍ وَ بَيْتًا مِنْ تَبْنٍ لَأَنْفَدَ تَبْرُهُ قَبْلَ تَبْنِهِ (۲۵)

در مقام جود و سخاء و جهاد مالی عنوان می‌شود که علی روزه می‌گرفت و عبادت می‌نمود، لیکن زاد و توشه خود را به دیگران هدیه می‌داد و خداوند در حق او نازل کرده است که:

«وَ يَطْعُمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا».

(مفسران می‌گویند:

«أنه لم يملك إلا أربعة دراهم»

) و «ابن ابی الحدید» می‌گوید:

او چهار درهم بیشتر نداشت، که درهمی را روز و درهمی را شب داد و درهمی را مخفی و درهمی را آشکارا عطا فرمود و خداوند آیه نازل نمود که:

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ...

یعنی خداوند چهار درهم علی را در چهار جای قرآن مطرح و باز گو می‌فرماید.

(برای یهودیان مدینه آبکشی می‌کرد، دست او پینه می‌بست و سپس اجرت حاصل از این طریق را در راه خدا انفاق می‌کرد و بر شکم خویش سنگ می‌بست که حجم آن را کوچک کند.

(«ابن ابی الحدید» می‌گوید: معاویه بن ابی سفیان که تمام تلاشش نابودی علی (بود، روزی به محفن ابن ابی محفن گفت: از کجا آمده‌ای؟

پاسخ گفت: از نزد بخیل‌ترین مردمان!

معاویه فهمید گوینده چه منظوری داشته است، لذا گفت مگر تو از پیش علی نیامده‌ای! گفت: آری.

آنگاه گفت: اگر علی خانه‌ای از طلا و خانه‌ای از گاه داشته باشد به خدای کعبه قسم! که علی خانه طلا را اول در راه خدا انفاق می‌کند. بیت‌المال را جارو می‌کند و نماز می‌گزارد و آنگاه می‌گوید بروید و دیگری را فریب دهید.

او هیچ میراثی باقی نگذارد در حالی که در دنیا موقعیتهای آنچنانی برای او فراهم بود و می‌توانست در مسائل مالی هر آن‌گونه که بخواهد عمل نماید. اینها به نوعی همانند جملاتی است که امام (در نامه چهل و پنج نهج البلاغه فرموده است.

برق تیغ علی علیه السلام

هنگامی که به جهاد فیزیکی و یا به تعبیر ما مجاهده با جان می‌نگریم باز مشاهده می‌شود که دیگر در این جایگاه، مقامی و نکته‌ای برای بدست آوردن و گفتن باقی نیست که علی علیه السلام آن را طی ننموده و عمل نکرده باشد.

«ابن ابی الحدید» در این خصوص می‌گوید:

هَذَا الْفُضْلُ لَا مَعْنَى لِلْإِطْنَابِ فِيهِ لِأَنَّهُ مِنَ الْمَعْلُومَاتِ الضَّرُورِيَّةِ كَالْعِلْمِ بِوُجُودِ مَكَّةَ وَ مِصْرَ وَ نَحْوِهِمَا (۲۶)

اینجا وقت گذاشتن معنا ندارد، وقتی می‌دانید آب تشنگی را رفع می‌کند، این آگاهی معلوم ضروری می‌شود و به همین شکل وقتی می‌دانید چراغ روشنی دارد مصداق معلوم ضروری است، مثل اینکه بگوییم شهرهای مدینه و مکه در کجا قرار دارند که این سؤال

دیگر نیاز به طرح ندارد چرا که آفتاب آمد دلیل آفتاب و پاسخ آن کاملاً روشن و مبرهن است.

در خصوص جنگ بدر، این سخن مطرح می‌گردد، «بخاری» در جلد ۵، ص ۷۵ و «مسلم» در جلد ۸، ص ۲۴۸ نقل می‌کنند که آیه شریفه:

«هَذَا خِضْمَانٍ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ»... (۲۷)

«اینان دو گروهند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند»...

زمانی نازل شد که امیرالمؤمنین (ایستاده است و در مقابل او، فارس و جنگاور بزرگ قریش قرار دارد. خداوند این آیه را در شأن و فضیلت علی علیه السلام نازل می‌کند، در آن جنگ هفتاد نفر از مکیان کشته شدند که سی و شش نفر آنها به دست امیرالمؤمنین (به هلاکت رسیدند.

در اُحد کار به آنجا رسید که: لقد اصابت علیاً یوم اُحد ستۀ عشره ضربه کل ضربه تلزمه الارض، فما کان یرفعه الا جبرئیل. (۲۸) شانزده زخم بر علی علیه السلام وارد آمد که برای هر کدام از آنها کافی بود تا زمینگیر بشود؛ اما گویا جبرئیل علی (را بلند می‌کرد.

از «ابن مسعود» سؤال کردند که آیا واقعاً در احد مردم از اطراف پیامبر فرار کردند و کسی برای حمایت پیامبر باقی نماند؟

«انهم الناس عن رسول الله حتی لم یبق معه الا علی و ابودجانه و سهل. قال: انهم الناس الا علی وحده» (۲۹)

پاسخ می‌دهد: آری و فقط سه نفر باقی ماندند و باز می‌پرسد آیا آن سه نفر ماندند؟ خیر، آنها هم فرار کردند و تنها کسی که در اُحد و در کنار پیامبر باقی ماند و جان خویش را سپر جان نبی مرسل نمود و تیرها را به تن می‌خرد فقط علی بن ابیطالب بود. در شرح نهج البلاغه جلد ۳، ص ۳۷۷ و بقیه مسانید آمده است که در احد مشرکان بیست و هشت کشته دادند که دوازده تن آنها به دست امیرالمؤمنین کشته شدند.

پس به لحاظ آماری نیمی از کشتگان بدر و نیمی از به هلاکت رسیدگان احد به وسیله علی (به قتل رسیده‌اند، پس مشخص است کسانی که چنین کشته‌هایی به دست علی علیه السلام داده‌اند و به تعبیر نقل از دعای ندبه، در دل کینه و «أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حَنَيْنِيَّةً» دارند، چه خواهند کرد.

در جنگ احزاب و جنگ خندق، دلاوری و جنگاوری علی (بر کسی پوشیده نیست. در خصوص نزول سوره احزاب «آلوسی» در «روح المعانی» جلد ۲۱ می‌نویسد: كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ.

خدا مؤمنین را کفایت کرد از اینکه با بزرگانی که با دوازده هزار نفر نیرو آمده بودند، بجنگند چرا که: «اليوم برز الايمان كله للشرك كله» (۳۰)

آن روز تمام کفر در قبال تمام ایمان صف آرایی کرده است.

خداوند مؤمنین را کفایت کرد که شش نفر بیشتر کشته ندادند، چرا که:

«لَضَرْبُهُ عَلَى يَوْمِ الْخُنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ التَّثَلِّينِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۳۱)

به خاطر ضربتی که آن روز علی بن ابیطالب (به آن نام آور عرب وارد نمود و خود نیز با فرقی شکافته و تکبیر گویان از میان غبار میدان به سوی پیامبر برگشت. در آن صحنه باشکوه، نبی رحمت به خاک می‌افتد، خدای را شکر و سجده می‌کند که اسلام را چنین نصرت و یاری داده است؛ پس موقعیت علی (در جهاد این چنین است.

خلاصه و نتیجه‌گیری مطالب ذکر شده همان است که کسانی چون «احمد حنبل» می‌گویند که ایمان علی علیه السلام سبقت و پیشگیری در اسلام دارد، تقوا و علم او هم که به واقع مصداق بارز «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» است.

آیه: «هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَظُنُّونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟» نشانگر علم لدنی اوست.

... «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (۳۲)

... «و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشید.»

بیان مجاهدت و قدرت جهاد اوست و مقام عبادت و انفاق او نیز در آیه ذیل تجلی دارد:

... «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ» (۳۳ ...)

«کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند.»

احمد حنبل در «فضائل الصحابه» می گوید:

«عن ابن مسعود كُنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّ أَفْضَلَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ» (۳۴)

روزی اصحاب پیامبر با یکدیگر گفتگو می کردند و همگی را جمله بر این قول بود که علی بن ابیطالب (افضل ترین فرد در مدینه است.

«شهرستانی» مورخی معروف و از مشاهیر قرن پنجم اهل سنت است. او در کتاب «ملل و نحل» می نویسد: «کان علی بن ابیطالب افضل الصحابه» (۳۵)

علی (افضل ترین صحابی پیامبر بود. الا- اینکه مصلحت اقتضاء کرد که او بعد از پیامبر بر مسند خلافت ننشیند! (حال چه کسی مصلحت اسلام و مسلمین را چنین تشخیص می دهد، مطلبی دیگر است!

«ذهبی» در «سیر الاعلام النبلاء» می نویسد:

«لیس تفضیل علی برفض» (۳۶)

اگر کسی علی (را تفضیل بدهد عملکرد او را «رفض» نام ننهید و وی را «رافضی» نخوانید.

رافضی لقبی است که عموماً اهل سنت به شیعیان نسبت می دهند. یعنی کسی که سنت پیامبر را رفض و پرت کرده است.

نعوذ بالله که شیعه چنین بخواهد و ذره‌ای چنان عمل کند، صحابه و تابعین به این سو رفته‌اند و سپس به مصادیق و نمونه‌های آن اشاره می کند.

«تنوخی» در «شرح نهج البلاغه» می گوید: «ان علیاً افضل الناس بعد رسول الله» (۳۷)

کسانی که الان قائل به فضیلت علی (هستند تعدادشان بسیار است و از میان آن افراد به ابوالحسن رُمّانی، (از بزرگان معتزلی که قائل به این افضیلت و مقام برتری علی بن ابیطالب هستند) اشاره می کند.

حال سؤال این است که آیا خداوند به انسان افضلیت می دهد؟ آیا امتیاز و زمینه‌های خاصی باید باشد تا عنایات الهی شامل حال فرد شود؟ همین معانی و مفاهیم را بهتر است در کلام خود امیرالمؤمنین (نیز جستجو نمائیم، هر چند می دانم تأمل در این مطالب قلب هر انسان آگاه و با وجدانی را آزرده می سازد. پیامبر فرمود:

«فَإِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي» (۳۸)

«فخر رازی» در «تفسیر کبیر» وقتی به این بحث می پردازد که نحوه اداء و قرائت «بسم الله» چگونه باید باشد، با جهر و بلندی و یا اخفات و آهستگی، چنین می گوید: تا قبل از امویان و حاکمیت بنی امیه جهر به «بسم الله» بوده است و بنی امیه برای رفع آثار علی علیه السلام و با قصد و نیت خاص و به عبارتی به قصد مبارزه و مخالفت با منش و رفتار علی (بسم الله» را اخفاء کردند.

در ادامه می گوید ما این گونه عمل نمی کنیم و چون نحوه عمل علی (، برای ما حجت است لذا ما «بسم الله» را با صدای بلند قرائت می کنیم و سپس بیان می دارد: «وَمَنْ اتَّخَذَ عَلِيًّا أَمَامًا لَدِينِهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ فِي دِينِهِ وَنَفْسِهِ» کسی که علی را به عنوان امام خود برمی گزیند؛ به عروءه‌الوثقی الهی چنگ زده است.

اینها که برشمردم تنها گوشه‌هایی از مقام افضلیت امیرالمؤمنین (از زبان دیگران و بعضاً دشمنان او بود، حال زبینه است حالت و

چگونگی شرایط خاص بعد از رحلت نبی رحمت و نحوه گزینش خلیفه اول و محروم ماندن مولی‌المومنین (را از مقام الهی ولایت از زبان خود حضرت بشنویم.

امیرالمؤمنین (در خطبه ۲۱۷ نهج البلاغه چنین می گوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعِيدُكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَمَنْ أَعَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ قَدْ قَطَعُوا رَحِمِي وَأَكْفُوُوا إِنَائِي وَأَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي حَقًّا كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ غَيْرِي وَقَالُوا: أَلَا- إِنَّ فِي الْحَقِّ أَنْ تَأْخُذَهُ وَفِي الْحَقِّ أَنْ تُمْنَعَهُ، فَاصْبِرْ مَعْمُومًا، أَوْ مُتَّ مُتَّاسِفًا. فَتَطَوَّتْ فَاذًا لَيْسَ لِي رَافِدٌ وَلَا ذَابٌ وَلَا مُسَاعِدٌ إِلَّا- أَهْلَ بَيْتِي؛ فَضَمَّنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَنِيَةِ فَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقُدَىٰ وَجَرَعْتُ رِيقِي عَلَى الشَّجَا وَصَبَرْتُ مِنْ كَظْمِ الْغَيْظِ عَلَى أَمْرٍ مِنَ الْعَلَقَمِ وَالْمِ لِّلْقَلْبِ مِنْ وَخْزِ الشُّفَارِ.»

خدایا! من از قریش شکوائیه‌ای به تو دارم و آنها که به قریشیان کمک کردند، آنان رحم مرا قطع کردند، ظرف مرا واژگون کردند. دستشان را به هم دادند و با من جنگیدند و حتی که من بر آن اولویت داشتم را غصب کردند و چون اعتراض کردم گفتند علی! همین است که می‌بینی می‌خواهی قبول کن و بیعت نما و نمی‌خواهی بیعت نکن و بعد به من گفتند یا برو کنج خانهات و صبورانه بنشین و یا از غصه بمیر! خوب من باید چه کار می‌کردم؟! لذا تحمل کردم، دیدم هیچ یاری ندارم و هیچ کس از من دفاع نمی‌کند و بازوی من نمی‌شود.

دیدم تنها حامیان من حسنین، دو طفل کوچک من و همسر فاطمه است و از کشته شدن آنها خوف کردم و وقتی دیدم شرایط این گونه است، دیگر چشمانم را بستم و حال آنکه خار در چشم داشتم و شروع به نوشیدن آب زندگی کردم، حال آنکه استخوان در گلویم بود.:

با زهری این چینی (که عرب از آن به زهر علقم و ما در فارسی و عامیانه به زهر هلاهل و زهر مار تعبیر می‌کنیم) صبر کردم و صبر کردم لیکن دردی در دلم بود و بیشتری بر قلبم وارد آمده بود اما باز هم صبر کردم تا آنکه خداوند بین ما حاکمیت و حکومت کند!!

حضرت رسول اکرم (در فرازی از خطبه غدیر چنین می‌فرماید که:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَّلُوا عَلَيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ»...

حضرت به صراحت و آشکار اعلام می‌فرماید که علی (با فضیلت‌ترین مردمان بعد از پیامبر است.

برابر این اعلام و اعتقاد تلقی می‌گردد که حکمت و عدالت الهی بر رجحان افضلیت و برتری انسانها است و این سنت از ابتدای نبوت و رسالت جاری و بر جانشین پیامبر نیز مصداق دارد و دلیلی نیست تا این رویه در فرهنگ اسلام تغییر یابد و جانشین پیامبر خاتم از این موهبت عاری شود و چیزی که همگان بر آن متفق‌القول هستند همانا مقام افضلیت و برتری بی‌چون و چرای امیرالمؤمنین (بر تمامی صحابی، یاران و مسلمانان تاریخ اسلام می‌باشد.

...«اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (... ۳۹)

(...«تنها) خدای یگانه را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست»...

آنگاه به حلقه عبودیت و بندگی اختیاری درمی‌آیند؛ البته نه تسخیری و قهری بلکه به میل و اراده خویش طوق طاعت خداوند را بر گردن می‌افکنند و آنگاه از دیگر انسانها پیشی می‌گیرند و گامی به سوی کمال فراتر می‌نهند و در نهایت، رتبه و جایگاه برتری می‌یابند و از همین جا، مرتبه تفاضل و برتری انسانها آغاز می‌شود. همان‌جا که «أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ» دعوت خداوند را اجابت و لبیک می‌گویند و با این پذیرش و فرمانبری به جرگه صالحان و بندگان دوست می‌پیوندند.

در میان این مؤمنان نیز همان‌گونه که خداوند سبحان خود بارها و به انحاء مختلف در کلام خویش فرموده است، تمییز و تفاوت ایجاد می‌شود.

خداوند در این آیات اشاره به تفاوت و تمایز بندگان خویش دارد:

«... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (۴۰؟...)

«... آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند»...؟

«أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ» (۴۱)

«آیا کسی که با ایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند.»

«أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (۴۲)

«آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزکاران را همچون فاجران؟»

آیا کسی که به سلک تقوای الهی پیوسته است با دیگری که از این حلقه مستانه رابطه را گسسته و از سرخوشی آن بی‌نصیب و محروم است، یکسان است؟ آیا کسانی که ایمان در جان‌شان نشسته و کردار و گفتارشان در مجرای عمل صالح است با آنها که در زمین فساد می‌کنند اصلاً می‌توانند یکسان و برابر باشند؟ آیا باید بر سر سفره کرامت دوست بهره‌مندی و نصیب اینان یکسان باشد؟ همچنین در آیات متعدد دیگری در قرآن این تفاضل و تفاوت میان انسانها تصریح گردیده است. در میان این جمع برجسته و صاحب فضیلت و مؤمنانی که دلداده حضرت دوست هستند، هم باز تفاوت‌هایی آشکار می‌بینیم یعنی در میان گروه مؤمنان عده‌ای هستند که السابقون السابقونند، پیشتازان در دلدادگی و شوریدگی هستند و عاشقانه به کوی حق نزدیک شده‌اند. در این وادی اسوه‌ها و نمونه‌های ممتاز ایمان بشری، صلحاء و انبیاء و پیامبران الهی می‌باشند. همان نخبگانی که «وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ»، خداوند با علم لدنی خویش (۴۳) و امتیازاتی که در وجودشان نهاده است آنان را مرتبت بخشیده و الگو قرار داده است، «وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُضِيِّطِينَ الْأَخْيَارِ»، در نتیجه مصطفی و برگزیده و مجتبیای خداوند شده‌اند. اینان نیز بر اساس فضایی که دارند، دارای مراتب و درجاتی می‌باشند یعنی در میان خیل عظیم پیامبران و انبیاء الهی شاهد رتبه‌بندی و تمایز بر اساس معیار فضیلت و سنگ عیار خلوص آنان هستیم که بر این مبنا عده‌ای برتر و جمعی فروتر قرار می‌گیرند همان که:

«تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ» (... ۴۴)

«بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم»...

گروهی با تکامل بیشتر در تقرب الهی، دارای جایگاه عالی‌تر می‌شوند و مقام این رسولان بدان‌جا می‌رسد که نهایت پنج نفر از آن خیل ممتاز، قدوه و الگو می‌شوند و به مرتبت اولوالعزم مفتخر می‌شوند یعنی شاگردان اول مکتب‌خانه الهی می‌گردند.

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (۴۵)

«پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران «اولوالعزم» صبر کردند.»

و سر سلسله آن، همان یگانه انسان برتر خلقت می‌شود که درک وصف و حالتش بر بشر که نه، بر ملک هم قابل توصیف و همراهی نیست و چنان عروج می‌کند که ملک همراه او هم تاب و توان از دست می‌دهد و در رکابش قوت خدمت و همراهی از کف می‌نهد و می‌گوید:

اگر یک سر موی برتر پر فرغ تجلی بسوزد پریم اما:

تو ولی ای محرم خلوتسرای ذوالجلال رفته‌ای تا قاب قوسین خداوند کریم پس مساوات بر هم می‌خورد و بر اساس ایمان و ضریب بهره‌مندی افراد، تساوی میان آدمیان دگرگون می‌شود و نهایت این تمایز به درجه‌ای می‌رسد که خدای سبحان اینان را به عنوان الگوهای شاخص معرفی می‌نماید.

مفسرین عالم اسلام و کسانی که با روح قرآن ارتباط دارند و در طول عمر سعی بر آن داشته‌اند که آیات الهی را شرح کنند، در لابه لای مباحث تفسیری و در سه آیه شریفه ماجرای غدیر را مطرح کرده‌اند. پانزده نفر از عالمان اهل سنت نیز در سه جای قرآن ماجرای غدیر را نقل می‌کنند و جمیع مفسران شیعی در این سه موضع به اتفاق این ماجرا را مطرح می‌کنند که در این سه آیه شریفه قرآن جای پای جریان غدیر دیده می‌شود و آثار آن مشهود است.

آیه نخست این کریمه الهی است:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُرَادَكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۴۶)

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان؛ و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.»

بزرگان عالم تفسیر (از اهل سنت) کسانی چون «طبری» و «جلال الدین سیوطی» و در متأخرین افرادی چون «آلوسی بغدادی» با نگرش و دیدگاه خاصی که در تفسیر دارد، یا «قرطبی اندلسی» و دیگر بزرگان عالم تفسیر مانند «ثعالبی»، ذیل این آیه ماجرای غدیر را مطرح کرده‌اند.

این یک موضع از مواردی است که در قرآن کریم جای پای غدیر را می‌بینیم. آیه دیگری که مفسرین به همین کم و کیف پیرامون آن سخن گفته‌اند؛ همان است که:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۴۷)

... «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»...

در این روز خدا دین را به کمال و قلّه نهایی می‌رساند و در ادامه آنچه که در دین به عنوان حقایق دینی وجود دارد، زنجیره پایانی پیوند می‌شود و خدا نعمت را بر مسلمین تمام می‌کند. به لحاظ اینکه دین کامل و نعمت تمام می‌شود پس چه چیزی بهتر از آنکه اسلام تا ابدیت دینی جاودان و باقی باشد. مفسرین معتقدند این دو آیه شریفه در یک هفته نازل شده و مصادف با ماجرای با عظمت و هفته برون آمدن نبی مکرم از مکه به سوی مدینه منوره در حجه الوداع است که این اتفاق نظر بسیاری از مفسرین است و بزرگانی که اسامی آنان را برشمردم نیز نزول آیات مذکور را در این یک هفته می‌دانند.

حال آنچه پیغمبر باید ابلاغ نماید، چیست که اگر ابلاغ نشود، رسالت پیامبری را انجام نداده است؟

آنچه موجب تکمیل دین می‌شود که خدا تا امروز نگفته و دین کامل نشده چه چیز و مسأله مهمی است؟

می‌بینیم از این مقطع تاریخ تا پایان عمر پیغمبر که قدری فزون‌تر از دو ماه است؛ هیچ حکم اساسی و مسأله مهمی بر پیغمبر مکرم اسلام نازل نمی‌شود؛ الا فروع مختصری از مبحث ارث که حاوی مسائلی جزئی در این باب است و آنگاه رسول خدا نقاب در خاک فرو می‌کشد و سر بر تیره تراب می‌نهد و روح بلندمرتبه‌اش به ملکوت الهی پرواز و عروج می‌کند؛ پس آنچه موجب اكمال دین و اتمام نعمت می‌گردد که معادل و مساوی با مجموع رسالت و تبلیغ نبی مکرم اسلام می‌باشد، به اتفاق نظر این بزرگان تفسیر مسأله‌ای اساسی و حیاتی است و چیزی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند و از شأن و بزرگی آن بکاهد.

آیه سومی که در تفسیر مطرح است، آیه ذیل است:

«سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (۴۸)

«تقاضا کننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد!»

در این آیه سؤال کرد فردی از عذابی که واقع شد. در اینجا باز همین جمع مفسرین که برشمردم، آیه را ناظر به ماجرای می‌دانند

که در روز غدیر و بعد از گرفتن بیعت برای امیرالمؤمنین، شخصی به نام «حارث بن نعمان فهري» (با دوازده نفر از یارانش که از آن اعراب دارای جمود و قساوت بودند)، محضر نبی مکرم آمد و گفت یا رسول الله! تو گفته‌ای که خدا واحد است؟ حضرت فرمودند: آری، گفته‌ام.

گفت: از پیش خودت گفתי یا خدا این حرف را به تو گفته است؟!

- خدای من فرموده است.

- یا رسول الله! خودت گفתי نماز بخوانیم و روزه بگیریم یا خدایت گفته است؟!

حضرت پاسخ دادند، خدای فرموده است.

- یا رسول الله! آیا تو از پیش خودت این فرد (علی) را به ولایت نصب کردی یا از سوی خداوند؟!

حضرت فرمود، خدای من چنین امر کرده است.

آنگاه حارث سر را بلند کرد و گفت: خدایا! اگر حق است و علی باید ولی من باشد، سنگی از آسمان بر سر من بیاید تا بمیرم و ولایت علی را بنیمنم! آنگاه به رسول خدا پشت کرد و گامی بیش فاصله نگرفته بود که به شهادت تاریخ، سنگی از آسمان به زیر فرود آمد و بر فرق نحس او وارد گردید و او به هلاکت رسید.

مفسرین در ذیل آیه مذکور این ماجرا را نقل می‌کنند. پس خداوند سبحان در قرآن طی سه جا بحث غدیر را گشوده است.

جلوه غدیر در تاریخ

هنگامی که مورّخین ماجرای غدیر را نقل می‌کنند، تقریباً تمام آنها بر نقل این ماجرا اتفاق نظر دارند، بزرگمردانی در تاریخ مانند: «یعقوبی» و «ابن واضح انباری»، در جلد دوم کتاب خود در صفحه نود و چهار وقتی که ماجرای حجّه‌الوداع را بازگو می‌کند، کلّ سیر پیغمبر و زوایای نزول و حرکت نبی مکرم را مطرح و بازگو می‌کند.

کسانی مانند «بلاذری» که مردی قوی در میدان تاریخ است، در کتاب «الانساب و الاشراف» و یا «ابن عبدربه» در کتاب «الاستیعاب» و بزرگمردان دیگری چون «ابن قتیبه» در کتاب «الامامه و السیاسة» یا «ابن اثیر» در «کامل»، این بزرگان همه در مجموع به ماجرای غدیر اشاره داشته و وارد این ماجرا شده‌اند؛ در لابه‌لای کتب تاریخ آنچنان ذکر این موارد زیاد است که باید گفت: شب پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد آنچه تقدیم شد و افرادی که نام بردم از علمای اهل سنت بودند و الا در بین شیعیان که اجماع و گستردگی طرح موضوع نمود و وضوح بسیار دارد.

حضور غدیر در کلام و ادب

هنگامی که متکلمین بحث کلامی و اعتقادی را مطرح می‌کنند که آیا نص بر وصایت و خلافت (بعد از نبی مکرم اسلام) وجود دارد یا خیر؟ آنگاه در مبحث نصوصیت به باب امامت و خلافت وارد می‌شوند؛ «باقلائی»، «قاضی عزالدین ایجی» صاحب «مواقف»، «میر سید شریف جرجانی» در «شرح مواقف»، «بیضاوی» و «تفتازانی»؛ تمام این بزرگان اهل سنت ماجرای غدیر را از زاویه کلامی به صحنه می‌کشند و مطرح می‌کنند.

خورشید غدیر بسیار تابناک است. عالمان علم لغت نیز که از این ماجراها بدورند، افرادی چون: «ابن درید»، «ابن کثیر شامی» صاحب کتاب «نهایه» یا «زبیدی حنفی» صاحب اثر «تاج العروس»، که بزرگ‌ترین و جامع‌ترین کتاب لغت در کلام عرب است، این عالمان لغوی و ادیبان اهل سنت نیز وقتی به واژه شیرین «غدیر» و «خم» و به معنای کلمه «مولی» می‌رسند، نمی‌توانند به راحتی از کنار آنها بگذرند؛ و لاجرم وارد اقیانوس بیکران غدیر می‌گردند:

خم که نه دریا بگو ای هوشیار مست می آن همه روزگار و جرعه‌ای از پیمانہ غدیر می‌نوشند، آن هم به بهانه رسیدن به واژه غدیر در حرف «غ» و به بهانه رسیدن به کلمه خم در حرف «خ» و به دلیل رسیدن به کلمه مولی در ماده «ولی».

غدیر در عرصه حدیث

محدثین نیز برای طرح این موضوع به صحنه می‌آیند و حدیث غدیر را تصویر می‌کنند و از بُعد و جنبه حدیثی این ماجرا را نقل می‌کنند.

بزرگمردی که به حق، مالک اشتر امروز امیرالمؤمنین (بود و در عصر حاضر بیشترین حق را به گردن شیعیان دارد، یعنی شخصیت گرانقدر «علّامه امینی» «رضوان‌الله تعالی علیه»، این علّامه بزرگوار و صاحب «الغدیر»، هنگامی که در جلد اول، آثار تلاش چهل ساله خویش را به صاحب ولایت کبری هدیه می‌کند در همان ابتدا می‌نویسد:

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلْنَا الضُّرُّ وَجِنْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاءٌ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

«ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فراگرفته و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده‌ایم؛ پیمانہ را برای ما کامل کن؛ و بر ما تصدّق و بخشش نما، که خداوند بخشنده‌گان را پاداش می‌دهد.»

ای صاحب ولایت کبری! ای علی! ما بضاعت مزجاء و سرمایه کمی بیش نداریم که همان را نیز تقدیم تو می‌کنیم. چرا که امینی کس دیگری را قابل نمی‌بیند که «الغدیر» را به او تقدیم و هدیه کند

مرحوم امینی آنجا این بحث را مطرح می‌کند و یک‌صد و ده نفر از صحابی را با ذکر اسم، رسم، شخصیت، زندگی و شیوه نقلشان، به عنوان راویان طبقه اول حدیث غدیر برمی‌شمرد. یک‌صد و ده نفر صحابی که مورد اتفاق نظر اهل سنت‌اند و همچنین نام هشتاد و چهار نفر از تابعین (تابعین کسانی هستند که پیغمبر را ندیده‌اند؛ اما با صحابی و یاران پیامبر قرین بودند، مانند: سعید بن جبیر). را نقل می‌کند که آنان بدین شیوه حدیث غدیر را نقل کرده‌اند آنگاه سیصد و شصت عالم محدّث را از اهل سنت برمی‌گزیند که آنان در طول تاریخ در کتابها و مسندهای خود ماجرا و حدیث غدیر را بدین شیوه نقل کرده‌اند. (آنان که منکرند بگو روبرو کنند).

پی نوشت

- (۱) - مریم: ۹۳.
- (۲) - الحجرات: ۱۳.
- (۳) - المجادله: ۱۱.
- (۴) - النساء: ۹۵.
- (۵) - الحديد: ۱۰.
- (۶) - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد: ۳۰/۱.
- (۷) - همان مأخذ.
- (۸) - الواقعة: ۱۱ - ۱۰.
- (۹) - البینه: ۷.
- (۱۰) - علی امام البرره: ۱۳۱/۱ (نقل از شواهد التنزیل: ۳۵۶/۲).
- (۱۱) - علی امام البرره: ۲۲۸/۱.

- (۱۲) - علی امام البرره: ۴۱۷/۱ (نقل از تاریخ دمشق: ۲۴۵/۱).
- (۱۳) - علی امام البرره: ۲۲۶/۱.
- (۱۴) - التفسیر الکبیر: ۶۵۳/۳.
- (۱۵) - تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر ۳۸۵/۴۲، انتشارات دارالفکر.
- (۱۶) - تاریخ اکبر بخاری: ۲۵۵/۲؛ انساب الاشراف بلاذری: ۹۸/۲.
- (۱۷) - علی امام البرره: ۲۷۷/۳ (نقل از کنز العمال: ۱۱۳/۱۵).
- (۱۸) - مسند: ۴۲۷/۴.
- (۱۹) - علی امام البرره: ۸۵/۲.
- (۲۰) - الذاریات: ۵۶.
- (۲۱) - البقره: ۲ و ۱.
- (۲۲) - المائده: ۵۵.
- (۲۳) - سورة الانسان: ۸ و ۹.
- (۲۴) - البقره: ۲۷۴.
- (۲۵) - شرح ابن ابی الحدید: ۲۱/۱.
- (۲۶) - شرح ابن ابی الحدید: ۲۴/۱.
- (۲۷) - الحج: ۱۹.
- (۲۸) - علی امام البرره: ۵۸/۳ (نقل از اسد الغابه: ۲۰/۴).
- (۲۹) - علی امام البرره: ۶۵/۳ (نقل از کشف الغمه: ۲۵۹/۱).
- (۳۰) - علی امام البرره: ۷۵/۳.
- (۳۱) - همان مأخذ.
- (۳۲) - النساء: ۹۵.
- (۳۳) - الحدید: ۱۰.
- (۳۴) - فضائل الصحابه: ۶۴۶/۲.
- (۳۵) - الملل و النحل: ۱۶۰/۱.
- (۳۶) - علی امام البرره: ۴۴۶/۲ (نقل از سیر الاعلام النبلاء: ۴۵۷/۱۶).
- (۳۷) - علی امام البرره: ۴۴۸/۲.
- (۳۸) - علی امام البرره: ۸۵/۲ (نقل از الاصابه: ۵۰۳/۲).
- (۳۹) - الاعراف: ۵۹.
- (۴۰) - الزمر: ۹.
- (۴۱) - السجده: ۱۸.
- (۴۲) - ص: ۲۸.
- (۴۳) - الدخان: ۳۲.
- (۴۴) - البقره: ۲۵۳.

(۴۵) - الاحقاف: ۳۵.

(۴۶) - المائده: ۶۷.

(۴۷) - المائده: ۳.

(۴۸) - المعارج: ۱.

متن کامل خطبه پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ حمد و ثنای الهی

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی خود بلند مرتبه، و در تنهایی و فرد بودن خود نزدیک است. در قدرت و سلطه خود با جلالت و در ارکان خود عظیم است. علم او به همه چیز احاطه دارد در حالی که در جای خود است، و همه مخلوقات را با قدرت و برهان خود تحت سیطره دارد. همیشه مورد سپاس بوده و همچنان مورد ستایش خواهد بود.

صاحب عظمتی که از بین رفتنی نیست. ابتدا کننده او و باز گرداننده اوست و هر کاری بسوی او باز می گردد. بوجود آورنده بالا- برده شده ها (کنایه از آسمانها و افلاک) و پهن کننده گسترده ها (کنایه از زمین) یگانه حکمران زمینها و آسمانها، پاک و منزّه و تسبیح شده، پروردگار ملائکه و روح، تفضل کننده بر همه آنچه خلق کرده و لطف کننده بر هر آنچه بوجود آورده است. هر چشمی زیر نظر اوست ولی چشمها او را نمی بینند.

کرم کننده و بردبار و تحمل کننده است. رحمت او همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت گذارده است. در انتقام گرفتن خود عجله نمی کند، و به آنچه از عذابش که مستحق آند مبادرت نمی ورزد.

باطنها و سریره ها را می فهد و ضمائر را می داند و پنهانها بر او مخفی نمی ماند و مخفی ها بر او مشتبه نمی شود. او راست احاطه بر هر چیزی و غلبه بر همه چیز و قوت در هر چیزی و قدرت بر هر چیزی، و مانند او شیئی نیست. اوست بوجود آورنده شیئی (چیز) هنگامی که چیزی نبود. دائم و زنده است و به قسط و عدل قائم است. نیست خدایی جز او که با عزت و حکیم است. بالاتر از آن است که چشمها او را درک کنند ولی او چشمها را درک می کند و او لطف کننده و آگاه است. هیچکس نمی تواند به دیدن به صفت او راه یابد، و هیچکس به چگونگی او از سر و آشکار دست نمی یابد مگر به آنچه خود خداوند عز و جل راهنمایی کرده است.

گواهی می دهم برای او که اوست خدایی که قدس و پاکی و منزّه بودن او روزگار را پر کرده است. او که نورش ابدیت را فرا گرفته است. او که دستورش را بدون مشورت مشورت کننده ای اجرا می کند و در تقدیرش شریک ندارد و در تدبیرش کمک نمی شود.

آنچه ایجاد کرده بدون نمونه و مثالی تصویر نموده و آنچه خلق کرده بدون کمک از کسی و بدون زحمت و بدون احتیاج به فکر و حيله خلق کرده است. آنها را ایجاد کرد پس بوجود آمدند و خلق کرد پس ظاهر شدند. پس اوست خدایی که جز او خدایی نیست، صنعت او محکم و کار او زیبا است، عادلی که ظلم نمی کند و کرم کننده ای که کارها بسوی او باز می گردد.

شهادت می دهم که اوست خدایی که همه چیز در مقابل عظمت او تواضع کرده و همه چیز در مقابل عزت او ذلیل شده و همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده و همه چیز در برابر هیبت او خاضع شده اند.

پادشاه پادشاهان و گرداننده افلاک و مسخر کننده آفتاب و ماه، که همه با زمان تعیین شده در حرکت هستند. شب را بر روی روز و روز را بر روی شب می گردانند که بسرعت در پی آن می رود. در هم شکننده هر زورگوی با عناد، و هلاک کننده هر شیطان

سریع و متمرّد.

برای او ضدی و همراه او معارضی نبوده است. یکتا و بی نیاز است. زائیده نشده و نمی زاید و برای او هیچ همتایی نیست. خدای یگانه و پروردگار با عظمت. می خواهد پس به انجام می رساند، و اراده می کند پس مقدر می نماید، و می داند پس به شماره می آورد. می میراند و زنده می کند، فقیر می کند و غنی می نماید، می خنداند و می گریاند، نزدیک می کند و دور می نماید، منع می کند و عطا می نماید. پادشاهی از آن او و حمد و سپاس برای اوست. خیر بدست اوست و او بر هر چیزی قادر است.

شب را در روز و روز را در شب فرو می برد. نیست خدایی جز او که با عزت و آمرزنده است. اجابت کننده دعا، بسیار عطا کننده، شمارنده نفسها و پروردگار جن و بشر، که هیچ امری بر او مشکل نمی شود، و فریاد دادخواهان او را منضجر نمی کند، و اصرار اصرار کنندگانش او را خسته نمی کند. نگهدارنده صالحین و موفق کننده رستگاران و صاحب اختیار مؤمنین و پروردگار عالمین. خدایی که از هر آنچه خلق کرده مستحق است که او را در هر حالی که شکر و سپاس گویند.

او را سپاس بسیار می گویم و دائماً شکر می نمایم، چه در آسایش و چه در گرفتاری، چه در حال شدت و چه در حال آرامش. و به او و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان می آورم. دستورات او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم و به آنچه او را راضی می کند مبادرت می ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می شوم بعنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او، چرا که اوست خدایی که نمی توان از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداریم (یعنی ظلم نمی کند).

۲ فرمان الهی برای مطلبی مهم

اقرار می کنم برای خداوند بر نفس خود بعنوان بندگی او، و شهادت می دهم برای او به پروردگاری، و آنچه به من وحی نموده ادا می نمایم از ترس آنکه مبادا اگر انجام ندهم عذابی از او بر من فرود آید که هیچکس نتواند آنرا دفع کند هر چند که حيله عظیمی بکار بندد و دوستی او خالص باشد نیست خدایی جز اوست خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را نرسانده ام، و برای من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفایت کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربکفی علی یعنی فی الخلافة لعلی بن ابی طالبو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»، «ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده درباره علی، یعنی خلافت علی بن ابی طالبو اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».

ای مردم، من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده ام، و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می کنم:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام پروردگارم که او سلام است مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بیا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که «علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر اتمم و امام بعد از من است. نسبت او بمن همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است»، و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون»، «صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند»، و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عز و جل را قصد می کند. ای مردم، من از جبرئیل درخواست کردم که از خدا بخواهد تا مرا از ابلاغ این مهم معاف بدارد، زیرا از کمی متقین و زیادی منافقین و افساد ملامت کنندگان و حيله های مسخره کنندگان اسلام اطلاع دارم، کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف کرده است که با زبانشان می گویند آنچه در قلبهایشان نیست و این کار را سهل می شمارند در حالیکه نزد خداوند عظیم است. و همچنین بخاطر اینکه منافقین بارها مرا اذیت کرده اند تا آنجا که مرا «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) نامیدند، و گمان کردند که من چنین هستم بخاطر ملازمت بسیار او (علی) با من و توجه من به او و تمایل او و قبولش از

من، تا آنکه خداوند عز و جل در این باره چنین نازل کرد: «و منهم الذین یؤذون النبی ویقولون هو اذن قل اذنعلی الذین یزعمون أنه اذخیر لکم، یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین»، «... و از آنان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند او «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) است، بگو: گوش استبر ضد کسانی که گمان می کنند او «اذن» استو برای شما خیر است، به خدا ایمان می آورد و در مقابل مؤمنین اظهار تواضع و احترام می نماید».

و اگر من بخواهم گویندگان این نسبت (اذن) را نام ببرم می توانم، و اگر بخواهم به شخص آنها اشاره کنم می نمایم، و اگر بخواهم با علائم آنها را معرفی کنم می توانم، ولی بخدا قسم من در کار آنان با بزرگواری رفتار کرده ام.

بعد از همه اینها، خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی حق علیو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»، «ای پیامبر برسان آنچه در حق علیاز پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».

۳ اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام (ع)

ای مردم، این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید، و بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است بر مهاجرین و انصار و بر تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و بر عجمی و عربی، و بر آزاد و بنده، و بر بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه. بر هر یکتا پرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است. هر کس با او مخالفت کند ملعون است، و هر کس تابع او باشد و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است.

ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی پیا می ایستیم، پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید، چرا که خداوند عز و جل صاحب اختیار شما و معبود شما است، و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) بر شما حرام کرده باشند. خداوند عز و جل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام.

ای مردم، علی را (بر دیگران) فضیلت دهید. هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آنرا در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آنرا به علی آموخته ام. اوست «امام مبین» که خداوند در سوره یس ذکر کرده است: «و کل شیء احصیناه فی امام مبین»، «و هر چیزی را در امام مبین جمع کردیم».

ای مردم، از او (علی) بسوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سر باز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع نمی شود.

او (علی) اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت. اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد. اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با من خدا را عبادت کرد. از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد، او هم در حالیکه جانش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.

ای مردم، او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است. ای مردم، او از طرف خداوند امام است، و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب نماید. پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگها هستند و برای کافران آماده شده است.

ای مردم، بخدا قسم پیامبران و رسولان پیشین به من بشارت داده اند، و من بخدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل اسمانها و زمینها هستم. هر کس در این مطالب شک کند مانند کفر جاهلیت اول کافر شده است. و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه آنچه بر من نازل شده شک کرده است، و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنان شک کرده است، و شک کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم، خداوند این فضیلت را بر من ارزانی داشته که منی از او بر من و احسانی از جانب او بسوی من است. خدایی جز او نیست. حمد و سپاس از من بر او تا ابدیت و تا آخر روزگار و در هر حال.

ای مردم، علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می کند و خلق باقی هستند. ملعون است ملعون است، مورد غضب است مورد غضب است کسی که این گفتار مرارد کند و با آن موافق نباشد. بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد». هر کس ببیند برای فردا چه پیش فرستاده است. از خدا بترسید که با علی مخالفت کنید و در نتیجه قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد، خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

ای مردم، او (علی) «جنب الله» است که خداوند در کتاب عزیزش ذکر کرده و درباره کسی که با او مخالفت کند فرموده است: «ان تقول نفس یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله»، «ای حسرت بر آنچه درباره جنب خداوند تفریط و کوتاهی کردم».

ای مردم، قرآن را تدبیر نمائید و آیات آن را بفهمید و در محکمت آن نظر کنید و بدنبال متشابه آن نروید. بخدا قسم، باطن آن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصی که من دست او را می گیرم و او را بسوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که «هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار او است». و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است، ولایت او از جانب خداوند عز و جل است که بر من نازل کرده است.

ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دواز دیگری خبر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

بدانید که من ادا نمودم، بدانید که من ابلاغ کردم، بدانید که من شنوایم، بدانید که من روشن نمودم، بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عز و جل می گویم، بدانید که امیر المؤمنین جز این برادر من نیست. بدانید که امیر المؤمنین بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

۴ معرفی و بلند کردن امیر المؤمنین (ع) بدست پیامبر (ص)

سپس پیامبر (ص) دستش را بر بازوی علی (ع) زد و آنحضرت را بلند کرد. و این در حالی بود که امیر المؤمنین (ع) از زمانی که پیامبر (ص) بر فراز منبر آمده بود یک پله پائین تر از مکان حضرت ایستاده بود و نسبت به صورت حضرت به طرف راست مایل بود که گویی هر دو در یک مکان ایستاده اند.

پس پیامبر(ص) با دستش او را بلند کرد و هر دو دست را به سوی آسمان باز نمود و علی(ع) را از جا بلند نمود تا حدی که پای آنحضرت موازی زانوی پیامبر(ص) رسید. سپس فرمود:

ای مردم، این علی است برادر من و وصی من و جامع علم من، و جانشین من در امتم بر آنان که به من ایمان آورده اند، و جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عز و جل و دعوت به آن، و عمل کننده به آنچه او را راضی می کند، و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصیت او. اوست خلیفه رسول خدا، و اوست امیرالمؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداوند، و اوست قاتل ناکثان و قاسطان و مارقان به امر خداوند.

خداوند می فرماید: «ما یبدل القول لدی»، «سخن در پیشگاه من تغییر نمی پذیرد»، پروردگارا، به امر تو می گویم: «خداوندا دوست بدار هر کس علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد. و یاری کن هر کس علی را یاری کند و خوار کن هر کس علی را خوار کند، و لعنت نما هر کس علی را انکار کند و غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار نماید».

پروردگارا، تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی در این روز این آیه را درباره او نازل کردی: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا». «و من یتبع غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین». «امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را بعنوان دین شما راضی شدم»، و هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود». پروردگارا، تو را شاهد می گیرم که من ابلاغ نمودم.

۵ تأکید بر توجه امت به مسئله امامت

ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عز و جل، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود.

ای مردم، این علی است که یاری کننده ترین شما نسبت بمن و سزاوارترین شما به من و نزدیک ترین شما به من و عزیزترین شما نزد من است. خداوند عز و جل و من از او راضی هستیم. هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده است مگر درباره او، و هیچگاه خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است، و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او، و خداوند در سوره «هل اتی علی الإنسان»... شهادت به بهشت نداده مگر برای او و این سوره را درباره غیر او نازل نکرده و با این سوره جز او را مدح نکرده است.

ای مردم، او یاری دهنده دین خدا و دفاع کننده از رسول خدا است، و اوست با تقوای پاکیزه هدایت کننده هدایت شده. پیامبرتان بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ای مردم، نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیرالمؤمنین علی است.

ای مردم، شیطان آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد. مبادا به علی حسد کنید که اعمالتان نابود شود و قدمهایتان بلغزد. آدم بخاطر یک گناه بزمین فرستاده شد در حالیکه انتخاب شده خداوند عز و جل بود، پس شما چگونه خواهید بود در حالیکه شماستید و در بین شما دشمنان خدا هستند.

بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی دوستی نمی کند مگر با تقوی، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. بخدا قسم درباره علی نازل شده است سوره «العصر»: «بسم الله الرحمن الرحیم، و العصر، ان الإنسان لفی خسر»، «قسم به عصر، انسان در زیان است» مگر علی که ایمان آورد و به حق و صبر توصیه کرد.

ای مردم، من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست. ای مردم از خدا

بترسید آنطور که باید ترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

۶ اشاره به کارشکنیهای منافقین

ای مردم، «ایمان آورید به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده است، قبل از آنکه هلاک کنیم و جوهی را و آن صورتها را به پشت بر گردانیم یا آنان را مانند اصحاب سبت لعنت کنیم». بخدا قسم، از این آیه قصد نشده است مگر قومی از اصحابم که آنان را به اسم و نسبشان می شناسم ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم. پس هر کس عمل کند مطابق آنچه در قلبش از حب یا بغض نسبت به علی می یابد.

ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد، چرا که خداوند عز و جل ما را بر کوتاهی کنندگان و بر معاندان و مخالفان و خائنان و گناهکاران و ظالمان و غاصبان از همه عالمیان حجت قرار داده است.

ای مردم، شما را می ترسانم و انذار می نمایم که من رسول خدا هستم و قبل از من پیامبران بوده اند، آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما عقب گرد می نمائید؟ هر کس به عقب برگردد به خدا ضرری نمی رساند، و خدا بزودی شاکرین و صابرین را پاداش می دهد. بدانید که علی است توصیف شده به صبر و شکر و بعد از او فرزندانم از نسل او چنین اند.

ای مردم، با اسلامتان بر من منت مگذارید، بلکه بر خدا منت نگذارید، که اعمالتان را نابود می نماید و بر شما غضب می کند و شما را به شعله ای از آتش و مس (گداخته) مبتلا می کند، پروردگار شما در کمین است.

ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند. ای مردم، خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم، آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پائین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران. بدانید که آنان «اصحاب صحیفه» هستند، پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کند.

راوی می گوید: وقتی پیامبر (ص) نام «اصحاب صحیفه» را آورد اکثر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند.

ای مردم، من امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم، و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، بدنیا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و بزودی امامت را بعد از من بعنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند. و در آن هنگام استای جن و انس که می ریزد برای شما آنکه باید بریزد و می فرستد بر شما شعله ای از آتش و مس (گداخته) و نمی توانید آنرا از خود دفع کنید.

ای مردم، خداوند عز و جل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خیث را از پاکیزه جدا کند، و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند.

ای مردم، هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب (اهل آن آیات الهی را) خداوند قبل از روز قیامت آنها را هلاک خواهد کرد و آنها تحت حکومت حضرت مهدی خواهد آورد، و خداوند و عده خود را عملی می نماید.

ای مردم، قبل از شما اکثر پیشینیان هلاک شدند، و خداوند آنها را هلاک نمود و اوست که آیندگان را هلاک خواهد کرد. خدای تعالی می فرماید «ألم نهلك الأولین، ثم تتبعهم الآخرين، كذلك نفع للمجرمین، و یل یومئذ للمکذبین»، «آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم؟ آیا در پی آنان دیگران را نفرستادیم؟ ما با مجرمان چنین می کنیم. وای بر مکذبین در آن روز».

ای مردم، خداوند مرا امر و نهی نموده است، و من هم به امر الهی علی را امر و نهی نموده ام، و علم امر و نهی نزد اوست. پس امر او

را گوش دهید تا سلامت بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشید، و به سوی مقصد و مراد او بروید و راه‌های بیگانه، شما را از راه او منحرف نکند.

۷ پیروان اهل بیت (ع) و دشمنان ایشان

ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت آن امر نموده، و سپس علی بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت‌اند، به حق هدایت می‌کنند و بیاری حق به عدالت رفتار می‌کنند.

سپس حضرت چنین خواندند: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين»... تا آخر سوره حمد و سپس فرمودند:

این سوره درباره من نازل شده، و بخدا قسم درباره ایشان (امامان) نازل شده است. بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره آنان است. ایشان دوستان خدایند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی‌شوند، بدانید که حزب خداوند غالب هستند.

بدانید که دشمنان ایشان سفهاء گمراه و برادران شیاطین‌اند که باطیل را از روی غرور به یکدیگر می‌رسانند.

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی‌اند که خداوند در کتابش آنان را یاد کرده و فرموده است: «لا تجد قوما يؤمنون بالله و اليوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو كانوا آبائهم او ابنائهم او إخوانهم او عشیرتهم، اولئک کتب فی قلوبهم الایمان»... تا آخر آیه، «نمی‌یابی قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند، و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش ضدیت دارند روی دوستی داشته باشند، اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا فامیلشان باشند. آنان‌اند که ایمان در قلوبشان نوشته شده است»...

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی‌اند که خداوند عز و جل آنان را توصیف کرده و فرموده است: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن و هم مهتدون» «کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمانشان را با ظلم نپوشانده‌اند، آنان‌اند که بر ایشان امان است و آنان هدایت یافتگان‌اند».

بدانید که دوستان ایشان کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند و به شک نیفتاده‌اند.

بدانید که دوستان ایشان کسانی‌اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می‌شوند و ملائکه با سلام به ملاقات آنان می‌آیند و می‌گویند: «سلام بر شما پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید».

بدانید که دوستان ایشان کسانی‌اند که بهشت برای آنان است و در آن بدون حساب روزی داده می‌شوند.

بدانید که دشمنان ایشان (اهل بیت) کسانی‌اند که به شعله‌های آتش وارد می‌شوند، بدانید که دشمنان ایشان کسانی‌اند که از جهنم در حالی که می‌جوشد صدای وحشتناکی می‌شوند و شعله کشیدن آنرا می‌بینند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی‌اند که خداوند درباره آنان فرموده است: «کلما دخلت امه لعنت اختها»... تا آخر آیه، «هر گروهی که داخل (جهنم) می‌شود همتای خود را لعنت می‌کند»...

بدانید که دشمنان ایشان کسانی‌اند که خداوند عز و جل می‌فرماید:

«کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها الم یأتکم نذیر، قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیء، انتم الا فی ضلال کبیر... فسحقا لأصحاب السعیر»، «هر گاه گروهی (از ایشان) را در جهنم می‌اندازند خزانه داران دوزخ از ایشان می‌پرسند: آیا ترساننده‌ای برای شما نیامد؟ می‌گویند: بلی، برای ما نذیر و ترساننده آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هیچ چیز نازل نکرده است، و شما در گمراهی بزرگ هستید... پس دور باشند اصحاب آتش».

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی‌اند که در پنهانی از پروردگارشان می‌ترسند و برای آنان مغفرت و اجر بزرگ است. ای مردم، چقدر فاصله است بین شعله‌های آتش و بین اجر بزرگ! ای مردم، دشمن ما کسی است که خداوند او را مذمت و لعنت نموده، و دوست ما آن کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بخرد.

ای مردم، بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی هدایت کننده است.

ای مردم، من پیامبرم و علی جانشین من است.

ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است، و امامان بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می آیند.

۸ حضرت مهدی عجل الله فرجه

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از هل شرک و هدایت کننده آنان.

بدانید که اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده دین خدا.

بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را بقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را بقدر جهلش نشانه می دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند. اوست وارث هر عملی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالابرنده آیات الهی. اوست هدایت یافته محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند، اوست که بعنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالب بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش.

۹ مطرح کردن بیعت

ای مردم، من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می فهماند.

بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من بعنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم.

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم (خداوند می فرماید: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله، ید الله فوق ایدیهم، فمن نکث فانما ینکث علی نفسه، و من أوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما»)، کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است. پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضرر خود اوست، و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد».

۱۰ حلال و حرام، واجبات و محرمات

ای مردم، حج و عمره از شعائر الهی هستند، (خداوند می فرماید: «فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیه ان یتوف بهما») تا آخر آیه، «پس هر کس به خانه خدا بعنوان حج یا عمره بیاید برای او اشکالی نیست که بر صفا و مروه بسیار طواف کند».

ای مردم، به حج خدا بروید. هیچ خاندانی به خانه خدا وارد نمی شوند مگر آنکه مستغنی می گردند و شاد می شوند، و هیچ خاندانی آنرا ترک نمی کنند مگر آنکه منقطع می شوند و فقیر می گردند. ای مردم، هیچ مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منی) وقوف نمی کند مگر آنکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت می آمرزد، و هر گاه که حجش پایان یافت اعمالش را از سر می گیرد.

ای مردم، حاجیان کمک می شوند و آنچه خرج می کنند به آنان بر می گردد، و خداوند جزای محسنین را ضایع نمی نماید.

ای مردم، با دین کامل و با تفقه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهده مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه بر مگردید. ای مردم، نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید همانطور که خداوند عز و جل به شما فرمان داده است و اگر زمان طویلی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید، علی صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند، او که خداوند عز و جل بعد از من بعنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است. او از من است و من از اویم.

او و آنانکه از نسل من اند از آنچه سؤال کنید به شما خبر می دهند و آنچه را نمی دانید برای شما بیان می کنند. بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه حلالها دستور دهم و از همه حرامها نهی کنم. پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عز و جل درباره امیر المؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند، (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود، و آخر ایشان مهدی است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را، ملاقات کند.

ای مردم، هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز از آنها برنگشته ام و تغییر نداده ام. این مطلب را بیاد داشته باشید و آنرا حفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید، و آنرا تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

من سخن خود را تکرار می کنم: نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و به کار نیک امر کنید و از منکرات نهی نمائید. بدانید که بالاترین امر بمعروف آنست که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عز و جل و از نزد من است، و هیچ امر بمعروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم.

ای مردم، قرآن به شما می شناساند که امامان بعد از علی فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند.

آنجا که خداوند در کتابش می فرماید: «و جعلها کلمه باقیه فی عقبه»، «آن (امامت) را بعنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد»، و من نیز به شما گفتم: «اگر به آن دو (قرآن و اهل بیت) تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید».

ای مردم، تقوی را تقوی را. از قیامت بر حذر باشید همانگونه که خدای عز و جل فرموده: «إن زلزله الساعة شیء عظیم»، «زلزله قیامت شیء عظیمی است».

مرگ و معاد و حساب و ترازوهای الهی و حسابرسی در پیشگاه رب العالمین و ثواب و عقاب را بیاد آورید. هر کس حسنه با خود بیاورد طبق آن ثواب داده می شود، و هر کس گناه بیاورد در بهشت او را نصیبی نخواهد بود.

۱۱ بیعت گرفتن رسمی

ای مردم، شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید، و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم در باره آنچه منعقد نمودم برای علی امیر المؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه بشما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.

پس همگی چنین بگوئید:

«ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت بما رساندی درباره امر امامت امامان علی امیر المؤمنین و امامانی که از صلب او بدنی می آیند. بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و (روز قیامت) با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نمائیم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم».

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی درباره علی امیر المؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنانکه خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و ضمائرمان و دستهایمان. هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گر نه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند (در این باره) از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلیمان می رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی».

ای مردم، چه می گوئید؟ خداوند هر صدایی را و پنهانی های هر کسی را می داند. پس هر کس هدایت یافت برفع خودش است و هر کس گمراه شد به ضرر خودش گمراه شده است، و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت می کند، دست خداوند بر روی دست آنها (بیعت کنندگان) است.

ای مردم، با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمائید و با علی امیر المؤمنین و حسن و حسین و امامان از ایشان در دنیا و آخرت، بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید. خداوند غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد. و هر کس بیعت را بشکند به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند خداوند به او اجر عظیمی عنایت می فرماید.

ای مردم، آنچه به شما گفتم بگوئید (تکرار کنید)، و به علی بعنوان «امیر المؤمنین» سلام کنید و بگوئید «شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا مغفرت تو را می خواهیم و بازگشت بسوی توست». و بگوئید: «حمد و سپاس خدای را که ما را به این هدایت کرد، و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم»....

ای مردم، فضائل علی بن ابی طالب نزد خداوند که در قرآن آنرا نازل کرده‌ایش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم، پس هر کس درباره آنها بشما خبر داد و معرفت آنرا داشت او را تصدیق کنید.

ای مردم، هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.

ای مردم، کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایت او و سلام کردن بعنوان «امیر المؤمنین» با او، سبقت بگیرند آنان رستگارانند و در باغهای نعمت خواهند بود.

ای مردم، سخنی بگوئید که بخاطر آن خداوند از شما راضی شود، و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند بخدا ضرری نمی رسانند.

خدایا، بخاطر آنچه ادا کردم و امر نمودم مؤمنین را بیامرز، و بر منکرین که کافرنه غضب نما، و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.

متن کامل خطابه غدیر به عربی

؛ خطبه رسول الله فی یوم الغدیر باللغه العربیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بَرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَ مَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَ مُبْدِنًا وَ مُعِيدًا وَ كُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَيْدُحَاتِ وَ جَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّيِّمَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَّأهٖ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءهٖ. يَلْحِظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعِيُونَ لَا تَرَاهُ. كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْبَاتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِانْتِقَامِهِ، وَلَا يَبَادِرُ

إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَزَابِهِ. قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَعَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَلَا اسْتَهْتَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٌ حَى وَقَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَضْعَهُ مِنْ مُعَايِنَتِهِ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّ وَعَلَانِيَتِهِ إِلَّا بِمَادَلٍّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَالَّذِي يَغْسِي الْأَبَدَ نُورَهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِالْمُشَاوَرَةِ مُشِيرٌ وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِالْمَعُونَةِ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا احْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَنَبِّئُ الصَّنْعَةُ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةُ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يُجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْأَمْلاكِ وَمَمْلُوكُ الْأَفْلاكِ وَمُسَخَّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مَسْمِي. يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْبُئُهُ حَيْثُنَا. قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمَهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ. لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبٌّ مَاجِدٌ يَشَاءُ فَيَمُضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي، وَيَمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفَقِّرُ وَيُعْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، (وَيُزِدُنِي وَيَقْصِي) وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُخْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يَشْكُلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يَضْجُرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَلَا يُبْرِمُهُ إِنْحَاخُ الْمُلْحِنِينَ. الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ). أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالسَّيِّئَةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُومِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمِعْ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعْ وَأَبَادِرْ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَأَسْتَسْلِمْ لِمَاقِضَاهُ، رَعْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقَابَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ وَلَا يَخَافُ جَوْرَهُ. وَأَقْرَلَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرَّبُوبِيَّةِ، وَأُودِي مَا أُوْحِيَ بِهِ إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ

- لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ.

فَأُوحِيَ إِلَيَّ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعَصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَأَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلِمُ كُلَّ أَيْضٍ وَأَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِيٍّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِهَذَا الْكَلِمَةِ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)، وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَسَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِفِي لِي (السَّلَامُ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلْبِهِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَجَلِّ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِاللَّيْسِ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَحْسَبُونَهُ هَيْبًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ. وَكَثْرَةَ آذَانِهِمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمِعُونِي أُذُنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مَلَازِمَتِهِ إِلَيَّ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ (وَهَوَاهُ وَقَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ -) خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةَ.

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَسِجِيَ الْقَضَائِلَ بِهَذَا الْكَلِمَةِ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأُوْمِيَتْ وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَسَدَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ لِأَرْضَى اللَّهَ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ

مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ أَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ). فَأَعْلَمُوا مَعَاشِرَةَ النَّاسِ (ذَلِكَ فِيهِ وَافَهُمُوهُ وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مَوْجِدٍ.

ماضِ حُكْمُهُ، جازِ قَوْلُهُ، نَافِذُ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلَمْ يَسْمَعْ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامِ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَاتَّقُوا لِأَمْرِ (اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَالْإِهْكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيِّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامِيَّةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا - مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا - مَا حَرَّمَ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَفِيَ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، عَلِيٌّ (فَضِّلُوهُ). مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَكُلِّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُهُ عَلَيًّا، وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)).

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفَرُوا مِنْهُ، وَلَا تَشْتَكُوا عَنْ وَلَا يَتِيهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًّا لِي بِنَفْسِهِ).

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، فَضِّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَقَبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتِيَهُ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَضَلُّوا نَارًا وَقَوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، بِي - وَاللَّهُ - بَشَّرَ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا (- وَاللَّهُ -) خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كَفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَنْتَمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، حَبَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مِمَّا مِنْهُ عَلِيٌّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَلَا - إِلَاةَ إِلَّا هُوَ، أَلَا - لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَيْدِ الْأَبْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، فَضِّلُوا عَلَيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَا - إِنَّ جِبْرَائِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي»، (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ).

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافَهُمُوا آيَاتِهِ وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُضِيءٌ جِدَّهُ إِلَى وَشَائِلٌ بَعْضِهِ (وَرَافِعُهُ بِيَدِي) وَمُعَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاةً، وَهُوَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي، وَمَوَالِيَّتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَةَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مَنْ صُيِّلِيهِ) هُمْ التِّفْضَلُ الْأَصْغَرُ، وَالثَّقْوَانُ التِّفْضَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُبَيَّنٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ

مُوافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.
 أَلَا إِنَّهُمْ أُمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَدْبَيْتُ.
 أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي
 هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثم قال: «ياها الناس، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: الله ورسوله. فقال: أَلَا مِنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَى مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصِرْ مَنْ نَصِرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. معاشر الناس، هذا علي أخى ووصي وواعى علمى، وخليفتى فى أمتى على من آمن بى وعلى تفسير كتاب الله عزوجل والداعى إليه والعامل بما يرضاه والمحارب لأعدائه والموالى على طاعته والنهائى عن معصيته. إنه خليفته رسول الله وأمير المؤمنين والإمام الهادى من الله، وقاتل الناكثين والقاسطين والمارقين بأمر الله. يقول الله: (ما يبذل القول لدى).
 بأمرك يارب أقول: اللهم وال من والاه وعاد من عاداه (وانصِرْ مَنْ نَصِرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) والعن من أنكره وأغضب على من جحد حقه.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَلِيكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَالِكَ وَنَصَبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَنْمَتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)، (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ). اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ. معاشر الناس، إنما أكمل الله عزوجل دينكم بإمامته. فمن لم يأت به وبمن يقوم مقامه من وُلدى من صلبيه إلى يوم القيامة والعرض على الله عزوجل فأولئك الذين حبطت أعمالهم (فى الدنيا والآخرة) وفى النار هم خالدون، (لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون). معاشر الناس، هذا على، أنصركم لى وأحقكم بى وأقربكم إلى وأعزكم على، والله عزوجل وأنا عنه راضيان. وما نزلت آية رضاء (فى القرآن) إلا فيه، ولا خاطب الله الذين آمنوا إلا ببدأ به، ولا نزلت آية مدح فى القرآن إلا فيه، ولا شهد الله بالجنة فى (هل أتى على الإنسان) إلا له، ولا أنزلها فى سواه ولا مدح بها غيره.
 معاشر الناس، هو ناصر دين الله والمجادل عن رسول الله، وهو التقي النقي الهادى المهدي. نبيكم خير نبي ووصيكم خير وصي (وبنوه خير الأوصياء).

معاشر الناس، ذرية كل نبي من صلبيه، وذريتي من صلب (أمير المؤمنين) على.
 معاشر الناس، إن إبليس أخرج آدم من الجنة بالحسد، فلا تحسدوه فتحبط أعمالكم وتزل أقدامكم، فإن آدم أهبط إلى الأرض بخطيئة واحدة، وهو صفوة الله عزوجل، وكيف بكم وأنتم أنتم ومنكم أعداء الله،
 ألا وإنه لا يبغيض علينا إلا الشقى، ولا يوالى علينا إلا تقي، ولا يؤمن به إلا مؤمن مخلص.
 وفى على - والله - نزلت سورة العنبر: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَنْبَرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إلا علينا الذى آمن ورضى بالحق والصبر).

معاشر الناس، قد استشهدت الله وبلغتكم رسالتى وما على الرسول إلا البلاغ المبين.
 معاشر الناس، (إنقول الله حق تقاته ولا تموتن إلا وأنتم مسلمون).
 معاشر الناس، (آمنوا بالله ورسوله والنور الذى أنزل معه من قبل أن نطمس وجوها فنزدها على أذبارها أو نلغنها كما لعنا أضيحاب السبب). (بالله ما عنى بهذه الآية إلا قوماً من أضيحابي أعرفهم بأسمائهم وأنسابهم، وقد أمرت بالصفح عنهم فليعمل كل امرئ على ما يجد لعلى فى قلبه من الحب والبغض).

معاشر الناس، النور من الله عزوجل مسيلوك فى ثم فى على بن أبى طالب، ثم فى النسل منه إلى القائم المهدي الذى يأخذ بحق الله و بكل حق هو لنا، لأن الله عزوجل قد جعلنا حجة على المفسرين والمعاندين والمخالفين والخائنين والأثمين والظالمين والغاصبين من جميع العالمين.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذِرْكُمْ أَنْى رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِى الرَّسُلُ، أَفَإِنْ مِتَّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنَهَانَ يَصْرُوهَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ). أَلَا وَإِنْ عَلَيَّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَى يَأْسِلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ فَيَحْبِطَ عَمَلُكُمْ وَيَسْحَطَ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ، إِنْ رَبَّكُمْ لَبِئْسَ الْمُرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهَا حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ يَشْهَدُ، وَوَلَدٌ أَوْلَمَ يُولَدُ، فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، (أَلَا- لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُعْتَصِبِينَ)، وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَنْهِيَ الثَّقَلَانِ (مَنْ يَفْرُغُ) وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمَا شَوَاطِئَ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذَرِكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَوْمٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمُمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَعَدُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلَيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَمَدِينِهِ، فَاسْتَمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَاتَّقُوا لِنَهْيِهِ تَرْتُدُّوا، (وَصِيْرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ (الْمَهْدِيَّةُ)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»... إِلَى آخِرِهَا،

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللَّهُ) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلَيْكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَاحَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنْ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا. أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أَوْلَيْكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أَوْلَيْكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ).

(أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَزْتَابُوا).

أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَفَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءُهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُزْرَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمُ الَّذِينَ يَصْلُونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَيَرْوْنَ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا) الْآيَةَ.

أَلَا إِنْ أَعْدَائُهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (أَلَا فَسِدِّحًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا- إِنْ أَوْلِيَاءُهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمُ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.
(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلَّيْنَا (كُلَّ) مَنْ مَدَحَهُ اللهُ وَ أَحَبَّهُ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَعَلَى الْبَشِيرِ.
(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلَى هَادٍ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَلَا) وَإِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيٍّ.
(مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلَى الْإِمَامِ وَالْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي، وَالْأَثَمَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدُهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ).
أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ.
أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.
أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.
أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا.
أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ وَهَادِيهَا.
أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللهِ.
أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللهِ.
أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ.
أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.
أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللهُ وَمُحْتَارُهُ.
أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.
أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنِ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.
أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ.
أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.
أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.
أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةً بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.
أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.
أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ حُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ
الإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللهُ وَعَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا
يُبَايِعُونَ اللهَ، يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللهُ فَمَنْ يَشَاءُ اللهُ فَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللهُ فَمَنْ يَشَاءُ اللهُ فَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللهُ فَمَنْ يَشَاءُ اللهُ).
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) الْآيَةَ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأَبْشَرُوا، وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا بَرُّوا وَافْتَقَرُوا.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّفَقُّهِ، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعٍ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمْ اللهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنَّ طَالَ عَلَيْكُمْ الْأَمِدُّ فَقَصِّصْتُمْ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلَى وَلِيِّكُمْ وَمُبِينٍ لَكُمْ،

الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلْفِهِ. إِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ مِن ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

ألا- إنَّ الحلالَ وَ الحرامَ أَكْثَرُ مِن أن أَحْصِيَهُمَا وَ أُعْرَفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحلالِ وَ أَنهَى عَنِ الحرامِ فِي مَقامِ واحِدٍ، فَأَمَرْتُ أنْ آخِذَ البَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبولِ ما حُتُّ بِهِ عَنِ الله عَزَّوَجَلَّ فِي عَلى أميرِ المُؤمِنينَ وَ الأوصياءِ مِنَ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُم مِنِّي وَ مِنْهُ إمامُهُ فِيهِمْ قائِمُهُ، خاتِمُها المَهْدِيُّ إلى يَوْمِ يَلْقَى الله الَّذي يَقْدِرُ وَ يَقْضِي.

مَعاشِرَ النَّاسِ، وَ كُلُّ حلالٍ دَلَلْتُمْ عَلَيْهِ وَ كُلُّ حرامٍ نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنِ ذالِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذالِكَ وَ احْفَظُوا وَ تَواصُوا بِهِ، وَ لا تُبَدِّلُوهُ وَ لا تُغَيِّرُوهُ. أَلَا وَ إِنِّي أُجِدُّ القَوْلَ: أَلَا فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ آمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ.

ألا وَإِنَّ رَأْسَ الأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أنْ تَنْتَهُوا إلى قَوْلِي وَ تُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبولِهِ عَنِّي وَ تَنْهَوهُ عَنِ مُخالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ الله عَزَّوَجَلَّ وَ مِنِّي. وَ لا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَ لا نَهْيٌ عَنِ مُنْكَرٍ إِلا مَعَ إمامٍ مَعْصومٍ.

مَعاشِرَ النَّاسِ، القُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أنَّ الأئِمَّةَ مِنَ بَعْدِهِ وَ ولِدَهُ، وَ عَرَفْتُمْ إِنْهُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ الله فِي كِتابِهِ: (وَ جَعَلْها كَلِمَةً باقِيَةً فِي عَقِبِهِ). وَ قُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا ما إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِما».

مَعاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَ احْذَرُوا السَّعْيَةَ كَمَا قالَ الله عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةً السَّعْيَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ). اذْكُرُوا المَماتِ (وَ المَعادِ) وَ الحِسابِ وَ المَوازِينِ وَ المَحاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ العالَمينَ وَ الثَّوابِ وَ العِقابِ. فَمَنْ جاءَ بِالْحَسَنِ نَهَى أُنْبِيَّ عَلَيْها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الجِنايا نَصيبٌ.

مَعاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِن أنْ تُصافِقُونِي بِكُفٍّ واحِدٍ فِي وَقتٍ واحِدٍ، وَ قد أَمَرَنِي الله عَزَّوَجَلَّ أنْ آخِذَ مِنَ أَلْسِنَتِكُمُ الإِقرارَ بِما عَقَدْتُمْ لِعَلى أميرِ المُؤمِنينَ، وَ لِمَنْ جاءَ بَعْدَهُ مِنَ الأئِمَّةِ مِنِّي وَ مِنْهُ، عَلى ما أَعْلَمْتُمْ أنْ ذُرِّيَّتِي مِنَ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سامِعُونَ مُطيعُونَ راضُونَ مُتقادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَن رَبِّنا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ إمامنا عَلى أميرِ المُؤمِنينَ وَ مَنْ وَ لَدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الأئِمَّةِ. نُبائِعُكَ عَلى ذالِكَ بِقُلُوبنا وَ أَنْفُسنا وَ أَلْسِنَتنا وَ أَيْدينا. عَلى ذالِكَ نَحْيِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَ لا نُغَيِّرُ وَ لا نُبَدِّلُ، وَ لا نَشُكُّ (وَ لا نَجْحَدُ) وَ لا نَرْتابُ، وَ لا نَرْجِعُ عَنِ العَهْدِ وَ لا نَنْقُضُ المِيثاقَ.

وَ عَظَمْتنا بِوَعْدِ الله فِي عَلى أميرِ المُؤمِنينَ وَ الأئِمَّةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنَ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ وَ لِدِهِ بَعْدَهُ، الحَسَنِ وَ الحُسَيْنِ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللهُ بَعْدَهُما. فَالعَهْدُ وَ المِيثاقُ لَهُمْ ما حُودُ مَنّا، مِنْ قُلُوبنا وَ أَنْفُسنا وَ أَلْسِنَتنا وَ ضَمائِرنا وَ أَيْدينا. مَنْ أَدْرَكَها بِيَدِهِ وَ إِلا فَقَدْ أَقْرَبَ بِلِسانِهِ، وَ لا تَبْتَغِي بِذالِكَ بَدلاً وَ لا يَرى اللهُ مِنْ أَنْفُسنا حِوْلاً. نَحْنُ نُؤدِّي ذالِكَ عَنكَ الدانِي وَ القاصِي مِنَ أولادنا وَ أهالينا، وَ نُشْهِدُ الله بِذالِكَ وَ كَفَى بِاللهِ شَهِيداً وَ أَنْتَ عَلَيْنا بِهِ شَهِيدٌ».

مَعاشِرَ النَّاسِ، ما تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ الله يَعلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْها)، وَ مَنْ بايَعَ فَإِنَّمَا يُبايِعُ اللهَ، (يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ).

مَعاشِرَ النَّاسِ، فَبايِعُوا اللهَ وَ بايِعُونِي وَ بايِعُوا عَلِيّاً أميرِ المُؤمِنينَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَيْنَ وَ الأئِمَّةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنيا وَ الآخِرَةِ) كَلِمَةً باقِيَةً. يُهْلِكُ اللهُ مَنْ عَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَ فَي، (وَ مَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِما عاهَدَ عَلَيْهِ اللهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجراً عَظيماً).

مَعاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذي قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِمُوا عَلى عَلى بِأَمْرِهِ المُؤمِنينَ، وَ قُولُوا: (سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ المَصيرُ)، وَ قُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذي هَدانا لِهَذا وَ ما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لولا أنْ هَدانا اللهُ) الآيَةَ.

مَعاشِرَ النَّاسِ، إنَّ فِضائِلَ عَلى بْنِ أَبِي طالِبٍ عِنْدَ الله عَزَّوَجَلَّ - وَ قد أَنْزَلْها فِي القُرْآنِ - أَكْثَرُ مِن أنْ أَحْصِيها فِي مَقامِ واحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِها وَ عَرَفَها فَصَدِّقُوهُ.

مَعاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللهَ وَ رَسولَهُ وَ عَلِيّاً وَ الأئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُمْ فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظيماً.

مَعاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إلى مُبايَعَتِهِ وَ مَوالِيَتِهِ وَ التَّسليمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِهِ المُؤمِنينَ أولئِكَ هُمُ الفائِزُونَ فِي جَناتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدَّيْتُمْ وَأَمَرْتُمْ) وَأَغْضِبْ عَلَيَّ (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

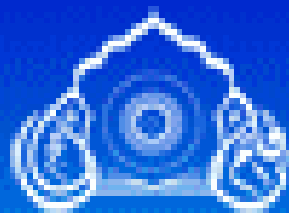
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

